

بررسی آثار درجه آزادسازی مالی و تجاری بر توسعه مالی ایران به همراه منتخبی از کشورهای اسلامی

دکتر بابک جمشیدی نوید، گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

Email: jamshidinavid@iauksh.ac.ir

مهدی عباسی، دانشجوی دکتری مدیریت مالی، گروه مدیریت مالی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی،

کرمانشاه، ایران

Email: mabbasi.hatim@gmail.com

اردوان رحیمی فیروزآباد، کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی و تحلیل اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج

Email: ardavan1390rahimi@gmail.com

چکیده - بازارهای مالی کارآمد از جمله سازوکارهای مهم در عرصه اقتصادی به شمار می‌روند. به طوری که بسیاری از اقتصاددانان معتقدند بدون داشتن یک بخش مالی کارا نمی‌توان به توسعه مالی و در پی آن به توسعه اقتصادی دست یافت. بدین منظور این مطالعه به بررسی تأثیر آزادسازی مالی و درجه باز بودن مالی و تجاری و اثر آن بر توسعه مالی ایران و منتخبی از کشورهای اسلامی در طی دوره زمانی ۲۰۱۴-۲۰۰۰ پرداخته شده است. بدین لحاظ الگوی اقتصادسنجی توسعه مالی به پیروی از بالتاجی و همکاران (۲۰۰۷)، تصریح شده است که برای برآورد آن از داده‌های درآمد سرانه، باز بودن تجاری، باز بودن مالی، اعتبارات داخلی به وسیله بخش خصوصی و بانکی و تولید ناخالص داخلی استفاده شده. در این تحقیق یک مجموعه داده‌های ترکیبی (تابلویی) ایجاد و از تکنیک پانل پویا مبتنی بر روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) استفاده شده است. بر این اساس نتایج تجربی مطالعه نشان دادند که باز بودن تجاری معنی‌دار و بر توسعه مالی تأثیرگذار است. در مورد اثر درجه باز بودن مالی نشان داده شد که هر چه سهم اعتبارات بخش خصوصی و بانکداری بالاتر رود، توسعه مالی را به طور معنی‌داری ارتقا می‌بخشد.

کلید واژه‌ها: توسعه مالی، درجه باز بودن مالی، درجه باز بودن تجاری، آزادسازی مالی، داده‌های

تابلویی

مقدمه

توسعه مالی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن ارائه خدمات مالی توسط مؤسسات مالی افزایش می‌یابد و همه افراد جامعه از انتخاب وسیعی از خدمات مالی بهره‌مند می‌شوند. توسعه ابزارهای مالی، از اهداف و اولویت‌های کشورهای در حال توسعه است. اصلاح ساختار بازارهای مالی در کشورهای در حال توسعه امری اجتناب‌ناپذیر و کاملاً ضروری است، زیرا براساس مطالعات انجام شده بین توسعه بخش مالی اقتصاد و توسعه اقتصادی رابطه‌ای تنگاتنگ و نزدیک برقرار است. عدم توسعه بخش مالی یکی از دلایلی است که کشورهای فقیرتر میل به کاهش بیشتری در تولید کل خود نسبت به اقتصادهای پیشرفته‌تر نشان می‌دهند. این اثر به ویژه در انقباض‌های ناگهانی تولید شدیدتر است. بازار سرمایه، بازار پول و بیمه به عنوان ارکان اصلی بخش مالی، هر یک نقش به سزایی در اقتصاد کشورها به عهده دارند. در جهان امروزی هیچ کشوری نمی‌تواند در انزوای اقتصادی دوام بیاورد و تمام جنبه‌های زندگی اقتصادی یک کشور با سایر کشورها ارتباط پیدا می‌کند.

نظریه‌های محض تجارت بین‌المللی حاکی از آن است که تجارت آزاد جهانی به طور کامل و وجود درجه باز بودن اقتصادی، منجر به افزایش سطح تولید و درآمد و روابط مالی و تجاری می‌شود. همچنین تجارت آزاد، هر کشور را قادر می‌سازد که تولید و مصرف بیشتری داشته باشد.

بنابراین در این مقاله سعی شده است که تأثیر درجه باز بودن اقتصاد (مالی و تجاری) بر توسعه مالی ایران و منتخبی از کشورهای اسلامی با تکیه بر روش پویای گشتاورهای تعمیم یافته مورد تحلیل قرار گیرد.

باز بودن اقتصادی (مالی و تجاری) و توسعه مالی

بطور کلی مفهوم باز بودن^۱ به معنای نبودن محدودیت‌ها بر سر راه جریان‌های فرامرزی اعم از کالاها و سرمایه است. در این میان درجه باز بودن اقتصادی از جمله شاخص‌های جهانی شدن است. درجه باز بودن اقتصاد از پارامترهای مؤثری است که در بحث تجارت خارجی، میزان تجارت خارجی و میزان افزایش آن مؤثر است. از طرف دیگر در فرایند جهانی شدن اقتصاد، درجه باز بودن از معیارهای سنجش توانایی اقتصادهای ملی به حساب می‌آید. به عبارت دیگر هر چه کشوری از اقتصاد برتری برخوردار باشد موقعیت مناسب‌تری جهت حضور در عرصه‌های جهانی و بین‌المللی می‌یابد. زیرا درجه

1. Openness

باز بودن اقتصاد باعث تعدیل محدودیت‌های مقداری و به حداقل رسیدن موانع تعرفه‌ای در تجارت یک کشور می‌شود و ادغام اقتصادی آن کشور را تقویت می‌نماید (اشراقی، ۱۳۸۸). شاخص‌های وقوعی معیارهای مستقیم اندازه‌گیری باز بودن تجارت هستند که سیاست‌های تجاری را با مشاهده مستقیم ابزارهای سیاستی اندازه‌گیری می‌کنند. اگرچه این شاخص‌ها را می‌توان نزدیکترین معیار و شاخص برای اندازه‌گیری سیاست‌های تجاری کشورها دانست، اما دو ایراد در آنها دیده می‌شود.

۱- این شاخص‌ها جامع نیستند و تنها به بخشی از موانع تجاری دلالت دارند.

۲- داده‌های سازگار و مناسب از این شاخص‌ها برای بسیاری از کشورها و برای سال‌های کافی وجود ندارد (اسپلیم برگو و همکاران^۱، ۱۹۹۹).

مهمترین شاخص‌های این گروه شامل متوسط نرخ تعرفه‌ها، متوسط نرخ تعرفه وصولی و نسبت شمول موانع غیر تعرفه‌ای است.

۱) متوسط نرخ تعرفه‌ها^۲: میانگین نرخ تعرفه‌های قانونی وضع شده بر واردات کالاها و خدمات، یکی از شاخص‌های کلاسیک و معمولاً استفاده شده در ادبیات تجربی برای اندازه‌گیری باز بودن تجاری است. این میانگین را می‌توان بصورت معمولی و یا موزون محاسبه نمود (کوین^۳، ۱۹۹۷).

۲) متوسط نرخ تعرفه وصولی (CTR)^۴: این شاخص به صورت نسبت کل مالیات بر واردات به حجم واردات تعریف می‌شود. در نگاه اول این شاخص به نظر جذاب‌تر از شاخص قبل می‌آید، زیرا در صورت وجود معافیت‌های گسترده و یا قاچاق فراوان، نرخ‌های قانونی تعرفه، زیاد بامعنا نخواهد بود. با وجود این ممکن است نرخ تعرفه وصولی غلط‌انداز و گمراه کننده نیز باشد، بویژه زمانی که معافیت‌ها در کالاهایی تمرکز یافته باشند که رقیب تولیدات داخلی نباشند و یا شامل نهاده‌های وارداتی باشند. بدین لحاظ نرخ متوسط تعرفه‌ها می‌تواند شاخص خوبی باشد. اما نقطه ضعف تمامی شاخصه‌های تعرفه‌ای این است که نوع رژیم‌های تجاری حاکم بر کشورهای در حال توسعه، بیشتر از موانع غیر تعرفه‌ای برای محدودسازی واردات استفاده می‌نمایند. بنابراین در این کشورها مقادیر تعرفه‌ها شاخص خوبی برای سیاست تجاری محسوب نمی‌شود. برای رفع این نقص می‌توان شاخص موانع غیر تعرفه‌ای را به کار برد (آندریامانجارا و نش^۵، ۱۹۹۷).

1. Splimbergo-et al
2. Average Tariff Rate
3. Kevin
4. Collected Tariff Rate
5. Anderiamanjara and Nash

۳) نسبت شمول موانع غیر تعرفه‌ای: این شاخص که گاه نسبت شمول محدودیت‌های مقداری نیز خوانده می‌شود، به صورت درصد یا ردیف‌های تعرفه‌ای است که به نحوی مشمول موانع غیر تعرفه‌ای قرار گرفته‌اند. روش دیگر برای محاسبه این شاخص، برآورد نسبت واردات مشمول موانع غیر تعرفه‌ای به کل واردات است (داداگر و ناجی، ۱۳۸۲).

شاخص‌های پیامدی معیارهای غیرمستقیم اندازه‌گیری باز بودن تجاری هستند و به طور گسترده در ادبیات تجربی مورد استفاده قرار می‌گیرند. از مهمترین شاخص‌های این گروه به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود:

۱) شاخص‌های نسبت نفوذ واردات^۱

۲) شاخص شکاف قیمتی^۲

۳) شاخص اضافه بهاء نرخ ارز در بازار سیاه^۳

ساده‌ترین و معمول‌ترین شاخص اندازه‌گیری باز بودن تجاری، نسبت تجارت یک کشور (مجموع صادرات و واردات) به تولید ناخالص داخلی آن می‌باشد. مهم‌ترین مزیت این شاخص سادگی محاسبه آن و در اختیار بودن داده‌های لازم کشورهای مختلف برای محاسبه آن در مطالعات بین کشوری است (آندریامانجارا و نش^۴، ۱۹۷۷).

بنابراین درجه باز بودن تجاری با استفاده از نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص باز بودن اقتصادی محاسبه می‌شود که بر روی توسعه مالی اثرگذار است. این شاخص که در مطالعات متعدد مورد بررسی قرار گرفته، حتی به عنوان متغیر جهانی شدن نیز بکار رفته است، گارت و رودیک^۵ از این شاخص استفاده نموده‌اند. بر مبنای این شاخص هرچه نسبت مذکور بیشتر باشد اقتصاد مربوط از درجه بازتری برخوردار است و بر همین اساس در کشورهایی که اقتصاد بازتری دارند مبادلات تجارت از اهمیت بالاتری برخوردار است و سهم بیشتری از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص می‌دهند (کلپاسی جلائی، ۱۹۸۱).

در خصوص کشور ایران باید اذعان نمود که درجه باز بودن اقتصاد حد مطلوبی را از خود نشان نمی‌دهد. این مسأله بیشتر از بی‌ثباتی صادرات غیرنفتی از درآمدهای نفتی و صادرات آن، توجه به

1. Import Penetration Ratios
2. Price Gap
3. Black Market Exchange Rate
4. Anderiamanjara and Nash
5. Gart and rudrik

سیاست‌های حمایتی تعرفه‌ای و سهمیه‌ای، عدم توجه به مزیت‌های نسبی در کشور و عدم توجه مناسب به سیاست برون‌گرایی و توسعه صادرات بوده است (کریمی، ۱۳۸۲).

رابطه باز بودن مالی و تجاری و توسعه مالی موضوعی بحث‌انگیز است. برخی اقتصاددانان و سیاست‌گذاران اقتصادی مانند، گرین اوی، بالتاجی (۲۰۰۷) معتقدند باز بودن اقتصادی (مالی و تجاری) به عملکرد کلان اقتصادی بهتر و توسعه مالی و اقتصادی سریع‌تر می‌انجامد. مطالعات تجربی فراوان از این دیدگاه حمایت می‌کنند. نهادهای بین‌المللی همانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه اقتصادی به کشورهای عضو این باور را توصیه می‌کنند که آزاد سازی تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی بر توسعه مالی تأثیر مثبت دارد. حتی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول اصلاحات با جهت‌گیری بازار و آزادسازی تجارت را شرط کمک‌های مالی خود قرار داده‌اند. پیوند مثبت بین باز بودن اقتصادی (مالی و تجاری) و توسعه مالی انگیزه مناسبی برای اصلاحات تجاری طی بیست سال گذشته به وجود آورده است، به طوری که ۱۰۰ کشور جهان به نوعی به آزادسازی تجاری متعهد شده‌اند (گرین اوی و همکاران، ۲۰۰۲)!

مسئله دیگری که بین باز بودن مالی و تجاری و توسعه مالی وجود دارد، این است که توسعه با سمت‌گیری خارجی، نه تنها سطح درآمد را ارتقاء می‌دهد بلکه می‌تواند سطح و میزان پس‌اندازها را نیز افزایش دهد. این امر به نوبه خود نرخ سریع‌تر انباشت سرمایه و در نتیجه رشد سریع‌تر را امکان‌پذیر می‌نماید. اقتصاد باز همچنین در جابجایی عوامل تولید (یعنی سرمایه و کار) نیز مؤثر است.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، وام‌های تجاری توسط بانک‌های خارجی و کمک‌های خارجی همگی دارای نقش تعیین‌کننده‌ای هستند. انتقال بین‌المللی سرمایه، انتقال دانش، فناوری و مهارت مدیریتی به کشورهای جهان سوم نیز به عنوان افزایش بهره‌وری تلقی می‌شود، زیرا از این طریق می‌توان به افزایش سطح تولید و رشد سریع‌تر درآمدها و در نهایت به توسعه مالی بیشتر دست یافت. همچنین علت استفاده و مطرح کردن درجه باز بودن مالی و تجاری این است که هر چه اقتصاد کشور در ارتباط با سایر کشورها پویاتر عمل نماید ضمن افزایش مبادلات اقتصادی، از کسب فناوری و خلاقیت سایر کشورها بهره‌مند گردیده و با افزایش بازدهی موجبات افزایش انگیزه و عامل تحریک برای سرمایه‌گذاری را فراهم می‌نماید که باعث توسعه مالی می‌شود (بالتاجی، ۲۰۰۷).

اساساً سازو کارهای مختلفی برای تأثیر سیاست تجاری و مالی باز بر توسعه اقتصادی و مالی ارائه شده است، که برخی از آنها عبارتند از:

الف) چنانچه رشد و توسعه ناشی از تحقیق و توسعه (R&D) باشد، آنگاه تجارت خارجی دسترسی به پیشرفت‌های فنی شرکای تجاری را ممکن می‌سازد. گروسمن و هلپمن با توجه به سرریز^۱ فنی و انتقال بین‌المللی دانش به عنوان عوامل توسعه اقتصادی، بر اقتصاد باز تأکید دارند. بارو و سالای مارتین (۱۹۹۷) نشان دادند که اقتصادهای بازتر فن‌آوری پیشرفته را بهتر وارد می‌کنند. با این وجود، ینگ^۲ (۱۹۹۱) وضعیتی را مطرح کرد که در آن ممکن است الگوهای مزیت نسبی به تخصص کشور در تولید کالاهایی بیانجامد که در آنها نوآوری فنی با یادگیری همراه با انجام دادن وجود نداشته باشد در نتیجه باز بودن تجاری رشد بلندمدت را کاهش می‌دهد.

ب) تجارت امکان دسترسی به بازارهای بزرگتر را فراهم می‌کند. (آدس و گلکسر^۳، ۱۹۹۹). آلیسنا و همکاران مطرح کردند که باز بودن تجاری به بزرگ شدن بازار و بهره‌مندی از برخی منافع بالقوه بازده فراینده نسبت به مقیاس می‌انجامد.

ج) کشورهای در حال توسعه می‌توانند با واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به توسعه اقتصادی و مالی بالاتری دست یابند (لی^۴، ۱۹۹۳).

د) باز بودن سیاست تجاری می‌تواند انگیزه‌ای برای اتخاذ سیاست‌های کمتر اختلال‌زا و اعمال مدیریت قاعده‌مند کلان اقتصادی برای حفظ ثبات کلان اقتصادی و افزایش قدرت رقابت بنگاه‌های داخلی بازارهای جهانی باشد و افزایش قدرت رقابتی تأثیر مثبت بر توسعه اقتصادی و مالی دارد. با این وجود، کشورهای بازتر ممکن است برای حمایت بنگاه‌های اقتصادی در برابر شوک‌های خارجی دولت بزرگتری به وجود آوردند و بنابراین دولت بزرگتر تخصیص منابع را مختل کرده و به رشد و توسعه اقتصادی ضربه می‌زند (رودریک^۲، ۱۹۹۸).

-
1. Spillover
 2. Yung
 3. Ades and Glaeser
 4. Lee
 2. Rodrik
 3. Baltagi et al

مروری بر مطالعات انجام شده

رحیمی و بروجردی (۱۳۸۵)، در تحقیقی به رابطه بررسی درجه باز بودن با رشد اقتصادی پرداخت. نتایج تخمین‌های پانل نشان داده که درجه باز بودن، بر روی رشد اقتصادی، اثر مثبت داشته است. همچنین، نتایج کاربردی حاصل از تصریح ساده فرم مدل اولیه برای سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۹۰ در مورد ۷۴ کشور در حال توسعه و توسعه وجود رابطه مثبت میان درجه باز بودن تجاری و رشد را مورد تأیید قرار داد. حشمتی مولایی (۱۳۸۵)، طی مطالعه به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه مالی در نظام بانکداری ایران پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که عوامل مختلفی نظیر توسعه فناوریانه ابزار مالی و پالایش مقررات مربوط به این ابزارها که خود تحت تأثیر آزادسازی نهادهای مالی است و همچنین جبران مطلوب سپرده‌های سرمایه‌گذاری، کاهش مطالبات بانک‌ها از بخش دولتی و بالعکس، توسعه بهینه مطالبات از بخش خصوصی و نیز حفظ ارزش پول، اثر معنی‌داری بر توسعه مالی و اقتصادی کشور دارند.

بالتاجی و همکاران^۳ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای از طریق داده‌های تابلویی^۴ به بررسی رابطه درجه باز بودن مالی و تجاری با توسعه مالی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، در دوره ۲۰۰۳-۱۹۸۰ پرداختند. آنها از بین شاخص‌های مختلف توسعه مالی، شاخص توسعه بخش بانکداری را به عنوان توسعه مالی برای این منظور استفاده کردند و متغیرهای توضیحی همچون درآمد سرانه، درجه باز بودن مالی و درجه باز بودن تجاری معرفی شدند به طوری که برازش مدل از طریق مدل گشتاورهای تعمیم یافته انجام یافت. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که در هر دو حالت و برای هر دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه درجه باز بودن به توسعه مالی کمک می‌کند به خصوص درجه باز بودن مالی برای کشورهای پایین درآمد دارند بسیار مناسب است.

بهاروم و همکاران^۱ (۲۰۰۸) طی مطالعه‌ای به بررسی ارتباط بین درجه باز بودن تجاری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور مالزی طی سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۵ و از روش آزمون مقید پرداختند. نتایج نشان داد که باز بودن تجاری، ضرایب آماری معنی‌دار و مثبتی از رشد هستند. همچنین آنها نشان دادند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دوره زمانی کوتاه مدت مثبت و معنی‌دار است ولی در بلندمدت منفی می‌باشد و همچنین به این نتیجه رسیدند که درجه باز بودن تجاری اثرات به مراتب بیشتری بر روی رشد دارد.

تحلیل نتایج تجربی

برآورد الگوی توسعه مالی

الگوی مورد برآورد بر اساس برآوردهای پویا به روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) و مستخرج شده از الگوی استفاده شده توسط بالتاجی (۲۰۰۷) می‌باشد که به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$Y_{it} = \alpha + \beta Y_{it-1} + \gamma X_{it} + \eta_i + \varepsilon_{it}$$

به طوری که:

i, t : کشور i و زمان t

α : عرض از مبدأ

Y_{it} : متغیر وابسته و Y_{it-1} متغیر وابسته با یک وقفه زمانی

X_{it} : شامل متغیرهای مستقل (ابزاری)

η_i : اثر ویژه فردی مستقل از زمان مربوط به کشور i

ε_{it} : جمله خطاست.

حال می‌توان نوشت:

$$\log FD_{it} = \beta_0 + \gamma \log FD_{it-1} + \beta_1 \log Y_{it-1} + \beta_2 \log TO_{it-1} + \beta_3 \log FO_{it-1} + u_{it}$$

که در آن:

$\log FD_{it}$: لگاریتم متغیر توسعه مالی کشور i در زمان t است که از لگاریتم سهم سرمایه در بازار سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی بدست می‌آید.

$\log Y_{it}$: لگاریتم متغیر درآمد سرانه کشور i در زمان t است که نسبت تولید ناخالص داخلی کشور به جمعیت آن کشور است.

$\log TO_{it}$: لگاریتم درجه باز بودن تجاری است که از مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی کشور i در زمان t حاصل شده است.

$\log FO_{it}$: لگاریتم درجه باز بودن مالی است که از نسبت کمک‌های مالی برای توسعه به تولید ناخالص داخلی بدست آمده است.

در این مطالعه، منتخبی از کشورهای اسلامی (۱۷ کشور) شامل ایران، اردن، بحرین، مصر، عمان، قطر، عربستان، امارات متحده عربی، کویت، مالزی، پاکستان، اندونزی، ترکیه، ازبکستان، ترکمنستان، نیجریه و الجزایر مورد بررسی قرار می‌گیرند. از نظر زمانی، دوره مورد بررسی در این تحقیق از سال

۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ می‌باشد و داده‌های مورد نیاز سالیانه بوده و از منبع شاخص توسعه جهانی (WDI) که اطلاعات منتشر شده بانک جهانی در مورد شاخص‌های توسعه کشورهاست، بدست آمده است، و از آزمون‌های ریشه واحد، آلیمر، هاسمن، هم‌جمعی استفاده می‌شود.

ریشه واحد

جهت حصول اطمینان از رگرسیون غیرکاذب و در پی آن نتایج نامطمئن، لازم است که چگونگی ساکن‌پذیری متغیرها را مورد آزمون قرار دهیم. بدین منظور از آزمون ایم، پسران و شین^۱ (ISP) استفاده شد.

جدول (۱) نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد - در سطح و با عرض از مبدا

متغیر	آماره محاسباتی	مقدار بحرانی p-value	نتیجه
FD	-0/95	0/16	غیر ساکن
DC	-0/80	0/20	غیر ساکن
DCP	-1/20	0/11	ساکن
TO	-1/37	0/91	غیر ساکن
FO	-3/74	0/0001	ساکن
Y	-3/13	0/0009	ساکن

ماخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج بدست آمده شاخص باز بودن تجاری (TO)، اعتبارات داخلی بخش خصوصی (DC) و شاخص توسعه مالی (FD) غیرساکن و اعتبارات داخلی به وسیله بخش بانکداری (DCP) و شاخص باز بودن مالی (FO) ساکن هستند.

1. Im, Pesaran and Shin (2003)

جدول (۲) نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد - با یک وقفه و با عرض از مبدا

متغیر	آماره محاسباتی	مقدار بحرانی p-value	نتیجه
FD	2/7	0/002	ساکن
DC	-3/64	0/0001	ساکن
DCP	-3/90	0/0000	ساکن
TO	-7/70	0/0000	ساکن
FO	-4/34	0/0000	ساکن
Y	-4/93	0/0000	ساکن

ماخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون ساکن پذیری با یک وقفه و عرض از مبدا نشان داد که تمامی متغیرها ساکن هستند.

آزمون F- لیمر

در روش پانل دیتا برای اینکه تعیین شود که تخمین مدل از روش داده‌های تلفیقی یا داده‌های تابلویی صورت بگیرد، از آزمون F- لیمر (آزمون چاو^۱) استفاده می‌شود. این آزمون در قالب آماره‌ی F محاسبه می‌شود. فرضیه صفر مبنی بر این که داده‌ها به صورت تلفیقی هستند به نفع فرضیه مقابل یعنی وجود قابلیت در روش داده‌های تابلویی رد می‌شود.

جدول (۳) نتایج حاصل از آزمون آزمون F- لیمر

سطح معنی داری	درجه آزادی	آماره
0/0000	14	53/66

ماخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه آزمون F نشان می‌دهد که در سطح معنی دار ۵ درصد فرضیه صفر مبنی بر Pool بودن داده‌ها رد می‌شود. بنابراین داده‌ها در این مطالعه به صورت پانل مورد بررسی قرار می‌گیرند.

1. Chow Test

آزمون هاسمن

با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون F- لیمر و اطمینان از پانل بودن داده‌ها، لازم است که روش مناسبی جهت تعیین چگونگی این ارتباط و میزان آن استفاده گردد. به این منظور آزمون هاسمن جهت تعیین روش مناسب برای برآورد پارامترهای الگو استفاده شده است. با انجام این آزمون می‌توان از بین روش اثرات ثابت و روش اثرات تصادفی شیوه مناسب تخمین را بدست آورد، چرا که در این آزمون فرض صفر بیان‌کننده این مطلب است که اساساً روش اثرات ثابت و روش اثرات تصادفی اختلافی ندارند. نتایج این آزمون و میزان احتمال پذیرفته شدن فرض صفر در جدول زیر آورده شده است.

جدول (۴) نتایج آزمون هاسمن

P_value	درجه آزادی	آماره کای دو	نتایج آزمون هاسمن
0/003	۵	11/75	مدل به صورت اثرات ثابت

ماخذ: یافته‌های تحقیق

با مقایسه این آماره‌ها با آماره بدست آمده از جدول مقادیر بحرانی می‌توان نتیجه گرفت که روش مناسب جهت برآورد الگو روش اثرات ثابت می‌باشد چرا که فرض صفر را نمی‌توان رد نمود. لذا براساس نتایج بدست آمده جهت برآورد الگو از روش ثابت استفاده می‌کنیم در ادامه به بیان نتایج برآورد الگو پرداخته می‌شود.

آزمون هم‌جمعی

در تحلیل‌های هم‌جمعی، وجود روابط بلندمدت اقتصادی آزمون برآورد می‌شوند. ایده اصلی در تجزیه و تحلیل هم‌جمعی آن است که اگرچه بسیاری از متغیرهای اقتصادی ساکن‌ناپذیر (حاوی روندهای تصادفی) هستند اما ممکن است در بلندمدت ترکیب خطی این متغیرها، ساکن (و بدون روند تصادفی) باشند. تجزیه و تحلیل‌های هم‌جمعی به ما کمک می‌کند که این رابطه تعادلی بلندمدت را آزمون و برآورد کنیم. با توجه به عدم ایستایی داده‌ها، بایستی خصلت هم‌جمعی میان داده‌ها بررسی شود. لذا این خصلت را برای داده‌ها، مورد بررسی قرار دادیم که نتایج آن در جدول زیر آورده شده است.

جدول (۵) آزمون هم‌جمعی KAO

نوع آزمون	آماره محاسباتی	مقدار بحرانی p-value
ADF	-6/70	۰/000

ماخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج به دست آمده نتایج نشان داده است که رابطه بلند مدتی بین متغیرها وجود دارد.

نتایج برآورد الگو

پس از مشخص شدن روش مناسب جهت برآورد پارامترها در قسمت گذشته در این قسمت به بیان نتایج حاصل از برآورد الگو برای این مطالعه در نظر گرفته شده می‌پردازیم. از آنجا که براساس آزمون هاسمن روش اثرات ثابت شیوه مناسب برآورد الگو است، از این شیوه استفاده می‌کنیم. نتایج بدست آمده از برنامه Eviews6 در جدول پایین آورده شده است.

جدول (۶) نتایج برآورد الگو

نام متغیر	ضریب	آماره محاسباتی	مقدار بحرانی P-value
C	0/46	8/86	0/000
Y	-0/005	-1/62	0/10
FO	0/002	1/86	0/06
TO	/011	2/62	0/0093
DC	3/17	5/55	0/0000
DCP	-2/20	-3/88	0/0001
Adjusted R-Squared:0.97		R-Squared:0.97	
F-Statistic: 389/47		prob:0.000	
		D.W:0.416	

ماخذ: یافته‌های تحقیق

پس از انجام آزمون‌های F-لیمر و هاسمن و انتخاب مدل اثرات ثابت برای تخمین مدل نتایج حاصل از برآورد مدل در جداول ارائه شده است. همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، نتایج حاصل از آزمون معنادار بودن رگرسیون بیانگر این است که با توجه به مقدار و سطح معنادار آماره F بدست

آمده برابر ۳۸۹ که فرضیه H_0 که همان بی‌معنا بودن کل مدل (صفر بودن تمام ضرایب) است رد می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که کل مدل معنادار است. در این مدل، ضریب تعیین R^2 برابر ۰/۹۷ است که نشان می‌دهد متغیرهای توضیحی در سطح ۹۷ درصد توانسته‌اند متغیر وابسته را تشریح کنند. نتایج نشان می‌دهد که درآمد سرانه کشورهای مسلمان تاثیر معنی‌داری بر توسعه مالی این کشورها نداشته‌اند از دیگر نتایج می‌توان به اثر مثبت و معنی‌دار باز بودن مالی بر توسعه مالی این کشورها اشاره کرد همانطور که مشاهده می‌شود یک درصد تغییر در باز بودن مالی سبب تغییر به اندازه ۰/۰۰۵ درصد تغییر توسعه مالی این کشورها خواهد شد. و همچنین بین باز بودن تجاری و توسعه مالی نیز رابطه معنی‌داری وجود دارد. همانطور که مشاهده می‌شود یک درصد تغییر در باز بودن تجاری سبب افزایش یازده صدم درصدی توسعه مالی این کشورها شده است. تاثیر اعتبارات بخش بانکداری بر توسعه مالی به عکس اعتبارات داخلی بخش خصوصی که تاثیر منفی داشته است، مثبت بوده و حاکی از آن است که اگر یک درصد تغییر در اعتبارات بخش بانکداری رخ دهد سبب افزایش سه درصد توسعه مالی در این کشورها خواهد شد.

نتایج برآوردی نشان می‌دهد که اعتبارات بخش خصوصی و بانکی به عنوان یک متغیر باز بودن مالی تاثیر مثبت بر توسعه مالی ایران و منتخبی از کشورهای اسلامی هستند، دارد. اما کمک‌های مالی برای توسعه به عنوان متغیری دیگر برای میزان درجه باز بودن مالی این حجم نمونه معنادار نبوده است. بنابراین اعتبارات بخش خصوصی و بانکی به عنوان متغیر باز بودن مالی نمی‌تواند پذیرفته شود. همچنین درجه باز بودن تجاری که نسبت صادرات واردات به تولید ناخالص داخلی است بر توسعه مالی اثر گذاشته و معنادار بوده است.

همچنین درجه باز بودن مالی و تجاری معنادار بوده و بر توسعه مالی اثر دارد. این حالت بیان‌کننده اثر متقاطع درجه‌ی باز بودن مالی و تجاری است و قابل انتظار بود که اثرات مثبتی را ایجاد کند، پس تعمیق توسعه مالی به واسطه باز بودن تجاری تحت تاثیر میزان بازبودگی بازارهای مالی قرار دارد. علاوه بر این، توسعه مالی در شرایطی تحت تاثیر بازبودگی مالی قرار دارد که روابط تجاری گسترده‌ای بین منتخبی از کشورهای اسلامی برقرار باشد. ولی این برآورد به دلیل ضعف در بازارهای مالی ایران و منتخبی از کشورهای اسلامی و روابط تجاری اثری نداشته است.

در عمل، توسعه اقتصادی و مالی یکی از اولین اهداف هر دولت در جهان است که باعث می‌شود شهروندان آن کشور از رفاه اقتصادی و اجتماعی بالاتری برخوردار باشند. از طرف دیگر مطالعات

اقتصادی (مانند این مطالعه) نشان داده‌اند که هر کشوری که سهم بیشتری در اقتصاد بین‌الملل دارد، بیشتر توسعه یافته است. به عبارت دیگر مبادلات تجاری گسترده یکی از عوامل اصلی توسعه اقتصادی و مالی کشورها محسوب می‌شود. بنابراین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در دهه‌های گذشته تلاش زیادی انجام دادند تا از طریق کاهش تعرفه‌ها و آزادسازی مبادلات، تجارت بین‌الملل را گسترش دهند. آزادسازی تجاری و افزایش درجه بازبودن تجاری و مالی می‌تواند توان رقابتی کشورها را افزایش دهد به همین دلیل توجه بسیاری از مجامع بین‌المللی را در سال‌های اخیر به این بخش معطوف شده است.

نتایج به دست آمده در این مطالعه نیز، رابطه فوق‌الذکر را برای اقتصاد ایران و منتخبی از کشورهای اسلامی تقویت می‌بخشد. نتایج تجربی مطالعات مذکور این نکته را تصدیق می‌کند که باز بودن مالی و تجاری و حضور در صحنه بین‌المللی به بهتر شدن اقتصاد و توسعه مالی کشورها کمک می‌کند. نتایج تجربی این پژوهش نشان داد که افزایش اعتبارات و خصوصی و همچنین صادرات و واردات بر توسعه بازار مالی اثرگذار است، به طوری که در ادبیات اقتصاد بین‌الملل و توسعه به آن تاکید شده است.

همچنین می‌توان گفت که باز بودن تجاری بر توسعه مالی ایران و منتخبی از کشورهای اسلامی اثرگذار است، در حالی که اثر آن چندان بزرگ نیست. بدین منظور پیشنهاد می‌شود که کانال‌های تجاری ایران با شرکای تجاری تقویت شده و گسترش یابد تا توسعه مالی در بازار ایران نیز اتفاق افتد.

همچنین اتخاذ سیاست‌هایی چون:

- بازگشودگی تدریجی درهای اقتصادی این کشورها بر روی تجارت آزاد و کاهش موانع تجاری.
- بازبینی دوباره سیاست‌های آزاد سازی تجاری
- روان سازی و تسهیل تجارت خارجی
- شناسایی صنایع آسیب پذیر و رقابتی ایران در شرایط درجه باز بودن مالی و تجاری باعث بازتر شدن تجاری، بهبود رابطه مبادله، افزایش جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی، رشد صادرات، تقویت رابطه با شرکای تجاری و در نتیجه توسعه مالی خواهد داشت.
- متنوع سازی صادرات و درآمدهای ارزی
- تعیین تاثیرگذاری و تاثیرپذیری نهادهای اقتصادی دولتی و غیردولتی مرتبط با تجارت خارجی ایران و منتخبی از کشورهای اسلامی آن بر جریان‌های تجاری

- پرهیز از تغییر مداوم مقررات و سیاست‌های اقتصادی و تجارتي به منظور ایجاد ثبات نسبی در روابط مالی و تجاری برای تحکیم بازار مالی کشور می‌تواند محرک خوبی برای توسعه مالی ایران باشد.

منابع و مأخذ

۱. اشرافی سامانی، ۱۳۸۸، سربزهای تحقیق و توسعه، یکپارچگی‌های تجاری در منتخبی از کشورهای شرق و غرب آسیا و اقیانوسیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان
۲. حشمتی مولایی، (۱۳۸۳) عوامل مؤثر بر توسعه مالی در نظام بانکداری ایران، پژوهشنامه اقتصادی ایران.
۳. دادگر و ناجی میدانی، (۱۳۸۲). "شاخص‌های جهانی شدن اقتصاد و موقعیت ایران"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۲۹، ص ۱۰۳-۱۳۵
۴. رحیمی بروجردی، (۱۳۸۵) آزادسازی اقتصادی از تئوری تا عمل، تهران، انتشارات سمت، ص ۷۱.
۵. کریمی، ۱۳۸۲، جهانی شدن، یکپارچگی اقتصادی و مناسب‌ترین ترتیبات تجاری منطقه‌ای بر اقتصاد ایران (فرصت‌ها و چالش‌ها)، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه اصفهان.
۶. کلباسی و جلابی، (۱۳۸۱)، بررسی اثرات جهانی شدن بر تجارت خارجی ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۱.
7. Andersone, J. E. (1998). "Trade Restrictive Benchmarks" *Economic Journal*, Vol. 18.
8. Andres, J., I. Hernando & J.D. Lopez-Salido. (2004). The Role of the Financial System in the Growth-Inflation Link: the OECD Experience. *European Journal of Political Economy*, 20(4): 941-961.
9. Ang, J. B., and W. J. Mckibbin (2007). "Financial Liberalization, Financial Sector Development and Growth: Evidence from Malaysia". *Journal of Development Economics* 84:215-233.
10. Baltagi, B. Demetriades, P& Law, S. (2007). *Financial Development, openness and Institution : Evidence from Panel Data*, University of Leicester.
11. Baltagi, B., Demetriades, P., Law, S. H, (2008), "Financial Development and Openness: Evidence from panel data", *Journal of Development Economics*.

12. Greenaway, D., Morgan, W,W, Wright, P., (2002), "Trade Libralization and Growth in Develop Countries ,"*Journal of development Economics*.
13. Lee, j-w., (1993), "International Trade, Distortions, and Long-run Economic Growth ,"*IMF Staff papers*.
14. Rodrik, D., (1998), "Why Do more Open Countries Have Larger Governments ,"*Journal of Political Economy*.
15. Rourke, O., Kevin H., (1997), "Measuring Outward Orient in LDC: Can It Be Done ,"*Journal of Development Economics* ,Vol. 49.